

سبک رفتار



دروغگو اولین قربانی دروغ است

■ مر ضیه بامیری

دروغ ام‌الفساد و منشأ بسیاری از گناهان است. اعتمادها را سست و روابط اجتماعی را متزلزل می‌کند. شما روایت چوپان دروغگو را شنیده‌اید؟ از معدود درس‌های کتاب فارسی‌مان است که هر کدام را شاید پیش از دهها بار خوانده و بارها برای فرزندانمان تعریف کرده‌ایم. اولین قصه‌ای که بچه‌ها به طور جدی با عواقب دروغ گفتن روبه‌رو می‌شوند. اینکه اگر مثل چوپان دروغ بگویند و این کار را چند بار تکرار کنند اعتماد دیگران را از دست می‌دهند. تنها می‌ماند و در نهایت زمان سختی نمی‌توانند روی کمک کسی حساب کنند. این ساده‌ترین تعریف دروغ‌گویی است. واژه‌ای تلخ که عذاب دنیایی و اخروی بسیاری به همراه دارد.

■ ■ ■

دروغگوها این طوری هستند

فکر کنید شما دروغی بزرگ گفته و هر لحظه از فاش شدن آن در هراس باشید. چه حالی پیدا می‌کنید؟ آیا آرام و قیصر دارید یا مثل اسبند روی آتش بسالا و پایین می‌برید که مبادا لو بروید و آبرویتان برود؟ این ترس و واهمه کمترین اثر سوء دروغ‌گویی است. دروغگوها اعتماد دیگران را که سرمایه بزرگی است از دست می‌دهند. دروغگوها به دلیل زبان‌هایی که با اطرافیان می‌زنند اغلب تنها می‌مانند و اگر کسانی هم کنارشان بمانند دوستی‌شان واقعی نیست. آدم‌های دروغگو تمرکز ندارند. نمی‌توانند دروغشان را بار دوم مثل بار اول تعریف کنند. اگر بخواهید از آنها اعتراف بگیرید کافیتس چند بار از او توضیح بخواهید. تناقض در گفته‌هایشان دلیل خوبی برای ناراستی کلامشان است. یک آدم دروغگو نمی‌تواند مستقیم به چشم‌های طرف مقابل خیره شود و حرفش را بزند. از تماس مستقیم فرار می‌کند. اگر به چپ نگریمست و نگاهش را مدام از شما درزید یقین بدانید دروغ می‌گوید یا حداقل تماش را راست نمی‌گوید.

آیا شما آدم صادقی هستید؟ چقدر به راست‌گویی‌ها و اینکه گاهی به ضررتان تمام شود، ایمان دارید؟ چقدر صداقت افراد برایتان در ایجاد روابط اجتماعی مهم است؟ اگر کسی به شما دروغ بگوید بر خود شما با او چیست؟ دروغ گفتن اول از همه حال خودمان را بد می‌کند. بگذارید بگویم صداقت در ایجاد مختلف زندگی چقدر با اهمیت است.

۲

عدم صداقت در مهندسی فاجعه به بار می‌آورد
فرض کنید شما خانه‌ای را پیش خرید کرده‌اید. پول هنگفتی داده‌اید و به شما اطمینان داده‌اند که سازه‌ها استاندارد و از جنس مرغوب است. شما نیز اعتماد کرده و طبق قرارداد پیش می‌روید. حالا اگر این انسان خیانت در امانت کند، پول جنس خوب از شما بگیرد اما سازه ایمن تحویل ندهد، یعنی با جان شما و خانواده‌تان بازی کرده است. چنین گناهی بخشودنی نیست. مخصوصا خطایی که تا وقوع یک حادثه مانند زلزله بروز نمی‌کند. پس صداقت در مهندسی بسیار مهم است. فکر کنید مهندسان سدسازی با عدم صداقت و اهمال در کارشان، یک سد با مقاومت پایین تحویل دهند. به نظر تان این عدم صداقتشان چند میلیارد خسارت بار می‌آورد و جان چند نفر را می‌گیرد؟ پس مهم است که مهندسان مادر کنار آموزش‌های عملی و تئوری صداقت در کار را نیز بیاموزند و مثل پزشکان سوگند یاد کنند که به خاطر منافع شخصی کم‌کاری نکنند و امین جان مردم باشند. فکر کنید اگر داروسازان ما صداقت پیشه نکنند چه بلایی سر جامعه ی بیماران می‌آید؟ پول هنگفتی می‌دهند اما نشانی از بهبودی حاصل نمی‌شود. فکر کنید تمام مأموران آب و برق و گاز، توی کارشان اهمال کنند و بدون در نظر گرفتن خطرات احتمالی کنتورها را بدون تست تحویل مشتری بدهند، می‌دانید چه فاجعه‌ای رخ می‌دهد؟

دروغ‌های بی‌شمار در کسب و کار

صداقت بعدی در کسب و کار است. این روزها زیاد شاهدش هستیم. از یک ماست‌بندی سر کوچه گرفته تا اجناس گران قیمتی که خریداری می‌کنیم. دروغ گفتن در کاسبی شده شیوه خیلی از افراد. قبح این کار زشت از بین رفته و به جای مذمت کردن این گناه، اسمش را ز رنگی و هوش زیاد می‌گذارند. هر نوع کلک و تقلبی را برای سود بیشتر به کار می‌برند و به خیال خودشان ز رنگی کرده‌اند. فکر کنید فرشی گرانقیمت بخرید. فروشنده بگوید الیاف فرش از جنس مرغوب است، اما وقتی برای اولین بار آن را می‌شوید تمام الیاف خراب شود یا رنگ بدهد؟ چه حالی می‌شوید؟

ملکی را برای اجاره معامله می‌کنید و قرار می‌شود ۱۰ روز دیگر کلیدش را تحویل‌تان بدهد. شما نیز برای جابه‌جایی آماده می‌شوید و کارگر و اتوبسار و غیره را هماهنگ می‌کنید. حالا اگر بگویند کلید را چند روز دیگر تحویل می‌دهند، چه می‌شود؟ از اینجا مانده و از آنجا رانده می‌شوید. نه توی این خانه جایی دارید و نه خانه‌ای که می‌خواهید بروید تخلیه می‌شود. اسم این می‌شود تقلب در معامله!

عده‌ای از اعتماد مردم به جنس خارجی سوء استفاده می‌کنند. جنس‌های داخلی را با چسباندن برند خارجی به مردم می‌فروشند. خوراکی‌های خانگی یا غیرمجاز را که در محل‌های غیربهداشتی تهیه می‌کنند یا یک برچسب قاچی فریب می‌دهند و به اسم یک برند معروف به مردم قالب می‌کنند. تقلب و ناراستی در کار دشوار نیست. فقط کافی است ایمان و انسانیت را زیر پا بگذار ی و منافع خلق را نادیده بگیرید.

هر دروغی را مصلحتی نکنیم

دروغ در همه جای دنیا زشت و مغفور است. هر چند ایمان نقش مهمی در کاستن و اراده برای نگفتنش دارد اما صداقت یک امر انسانی است که به طور غریزی توسط همه ستایش می‌شود. ما بارها و بارها به کودکانمان هشدار داده‌ایم که اگر دروغ بگویم به جهنم می‌روی و خدا آدم دروغگو را دوست ندارد. اما هرگز برایش نگفته‌ایم که دروغگو بیش از همه به خودش آسیب می‌زند. در حالی که خدای بزرگ ما را از هر گونه خودزنی و آزار رساندن به جسم و روح خودمان منع کرده است. بعضی وقت‌ها هم زشتی این عمل ناپسند را با طر ح مصلحتی بودن توجیه می‌کنیم. سر خودمان شیره می‌مالیم که از عمد نبوده و بر اساس یک مصلحت گفته‌ایم. مصلحتی بودن دروغمان را باور می‌کنیم تا شب آسوده بخوابیم اما عذاب وجدان ما چیزی از گناهمان کم نمی‌کند.



دروغ مال همه است. زن و مرد و کوچک و بزرگ ندارد.

هر کس از نفس پیروی کند به دام دروغ می‌افتد. می‌تواند این آدم مدیر یا رئیس باشد که به قول و قرارش وفا نکند. می‌تواند رئیس یک بانک باشد، وعده وام بدهد اما بعد از بر حرفش بزند. می‌تواند یک مصلحت شخصی بعد انکار کند. می‌تواند مربی یک مهد کودک باشد و در مورد اتفاقات درون مهد بسه والدین دروغ بگوید. می‌تواند غذا پشان را کم بریزد اما صور تحسبب یک وعده کامل برای والدین بفرستد

آیا به حرفی که می‌زنیم عمل می‌کنیم؟ آیا در عمل به تعهدات خود صادقیم؟ آیا با دوست و رفیق و آشنا و مشتری و غیره روراست هستیم؟ آیا جرئت اعتراف داریم؟ جرئت عذرخواهی برای دروغی که به زبان آورده‌ایم داریم؟ راست می‌گویند دروغ ام‌الفساد گناهان است. هر کجا بخواهی از مسیر راست خارج بشوی مجبوری دروغ بگویی. گاهی به خودت، گاهی به دیگران و گاهی...

دروغ‌هایی که رابطه‌های زناشویی را تیره می‌کند
دروغ آفت بزرگی در زندگی مشترک است. وقتی یک زندگی بر اساس صداقت و راستی پایه‌ریزی نشود، هر آن ممکن است از هم بپاشد و اگر هم بنا بر مصلحت ادامه یابد، هرگز از شوق و اشتیاق زوجین خبری نیست. خیلی بد است که با یک نفر زیر یک سقف زندگی کنی اما او را نشناسی. ندانی در خفا با تو چه می‌کند. ندانی دور از تو خیانت می‌کند. ندانی در خلوت با دوستانتش گاهی فتنی مواد مخدر مصرف می‌کند. دردناک است که ندانی همسرت به بهانه کار و اضافه کاری سرش جای دیگری با کس دیگر گرم باشد و هر بار برای این خطایش یک بهانه موجه بیارد. خیلی سخت است که همسرت برای بله گرفتن یا بله گفتن به تو دروغ گفته باشد

همان اول بسم‌الله دروغ بگوید پس باز هم می‌تواند. بلافاصله بعد از جاری شدن عقد فاش شده است. چه بسیار دروغ‌هایی که برای جلب توجه گفته‌اند و حالا نه راه پس دارند و نه پیش. به خیال خودشان با دوز و کلک و نگفتن حقیقت بیروز میدان شده‌اند، اما اغلب زوجین بعد از فاش شدن دروغ، تمایلی به ادامه زندگی مشترک ندارند و همانجا پرورده‌این رابطه را مخومه‌اعلام می‌کنند. معتقدن رابطه‌ای که با دروغ شروع بشود ماندگار نیست و اگر کسی توانسته

همان اول بسم‌الله دروغ بگوید پس باز هم می‌تواند. بسیاری از جوان‌ها هنگام ازدواج عیب‌هایشان را نمی‌گویند. مثلاً اهل رفیق‌بازی هستند یا سیگار می‌کشند. همین که زیر یک سقف رفتند عیب‌ها از گوشه و کنار بیرون می‌زند و حال اعتماد طرفین را خراب می‌کنند و حتی آدم‌هایی می‌شناسم که برای دستیابی به قلب یک دختر دروغ استفاده تو موجب کم بیمار شده، اما خودت خوب می‌دانی که دروغ می‌گویی.

دروغ مال همه است. زن و مرد و کوچک و بزرگ ندارد. هر کس از نفس پیروی کند به دام دروغ می‌افتد. می‌تواند این آدم مدیر یا رئیس باشد که به قول و قرارش وفا نکند. می‌تواند رئیس یک بانک کشد، وعده وام بدهد اما بعد از بر حرفش بزند. می‌تواند یک معلم باشد. حرفی زده باشد و بنا به مصلحت شخصی بعد انکار کند. می‌تواند مربی یک مهد کودک باشد و در مورد اتفاقات درون مهد به والدین دروغ بگوید. می‌تواند غذایشان را کم بریزد اما صورتحساب یک وعده کامل برای والدین بفرستد. می‌تواند آشپز یک کبابی باشد. بگوید کباب با گوشت تازه اما چیزی که تحویل مشتری می‌دهد چیزی جز سنگان مرغ و کمی ضایعات گوشت نیست. می‌تواند هر کسی باشد و از سر نقرتی که از کسی به دل دارد زبان به دروغ بچرخاند و درباره او دروغ بگوید. می‌تواند دروغش به تهمت بینجامد. می‌تواند غیبت‌های مکرر ش آبروی کسی را مکدر کند. می‌تواند

جامعه‌ای که مردمش به هم اعتماد ندارند جای زندگی نیست و همه چیز نابود می‌شود. از صبح که بیرون می‌روی باید با یاد خدا شروع کنی و با توکل به او به صداقت همه انسان‌ها اعتماد کنی. شنیده‌ای می‌گویند الاعمال بالنیته . یعنی ملاک اعمال انسان به نیت اوست. شاید به ظاهر دروغی بر زبان جاری نشود اما نیت شوم یا گناه‌لودی پشت آن عمل باشد. فقط خدا می‌داند چه اندازه از اعمال ما خالی از دروغ است و نیتیمان اشکالی ندارد. فقط خدا می‌داند که رفتارمان چقدر به اندازه کلاممان صادق است؟ آیا به حرفی که می‌زنیم عمل می‌کنیم؟ آیا در عمل به تعهدات خود صادقیم؟ آیا با دوست و رفیق و آشنا و مشتری و غیره روراست هستیم؟ آیا جرئت اعتراف داریم؟ جرئت عذرخواهی برای دروغی که به زبان آورده‌ایم داریم؟ راست می‌گویند دروغ ام‌الفساد گناهان است. هر کجا بخواهی از مسیر راست خارج بشوی مجبوری دروغ بگویی. گاهی به خودت، گاهی به دیگران و گاهی...

خوش به حال آنهایی که روی نفس خود کار کرده‌اند و شهادت این را دارند که پای اشتباهشان بایستند و بلد باشند عذرخواهی کنند و با دروغ روی آن سرشوش نگذارند.

از قدیم گفته‌اند حرف راست را باید از بچه شنید. می‌دانید چرا؟ چون آنها درکی از دروغ ندارند. نمی‌دانند دروغ چیست. شاید بگویند اما معنا و مفهومش را نمی‌دانند. هر کدامشان آیینهای از صداقت هستند و اگر می‌خواهی واقعیت را بدانی بهتر است کمی با آنها صمیمی شوی و پای حرف دلشان بنشین. آنها نمی‌توانند چیزی را پنهان کنند. نفر تشنان آنی است و دوست‌داشتنشان عمیق و واقعی. آنها راحت دل می‌بندند حتی به عروسک و تنگ‌های آبپاششان. آنها در لحظه احساسشان را بدون سانسور بیان می‌کنند. راحت می‌گویند از ت بدم می‌آد. می‌گویند تو مامان بدی هستی و خیلی حرف‌های دیگر که برای ما ناخوشناشد است اما عین حقیقت است. ■ ■ ■

ضمیر وجود تک تک بچه‌ها مثل آیین صاف و شفاف است. کم کم با رشد فیزیکی بدنشان عقل و درایت هم در آنها باور می‌شود. به جایی می‌رسد که می‌تواند از آموخته‌های تا کنونش نتیجه بگیرد و راه درست را انتخاب کند. اینجاست که معلوم می‌شود کدام بچه راست‌گوست و کدام یک دروغگو. کودک آرام آرام دروغ گفتن را زیر پوست زندگی اجتماعی‌اش می‌آموزد. توی فیلم‌ها کارتون‌ها، گفت‌وگو با بزرگ‌ترها و یک گشت توی دنیای بیرون آدم بزرگ‌ها از آنها یک دروغگوی قابل می‌سازد. نمی‌خواهد دروغ بگوید اما چیزی می‌شود که می‌بیند. توی فروشگاه با مادرش برای خرید می‌رود. می‌داند مادر توی کیش پول دارد اما به فروشنده می‌گوید پولم تمام شده و اصرار می‌کند که تخفیف بگیرد. یا توی تاکسی پول خرد دارد اما به راننده می‌گوید ندارم. راننده هم که پول برای پس دادن ندارد از خیر کرایه‌اش می‌گذرد و می‌بخشد. یا کودک با پدرش به خرید می‌رود و متوجه می‌شود که پدر هر کجا لازم باشد درباره کار و درآمد و غیره شایع دروغ‌ها می‌گوید. کمی بزرگ‌تر که می‌شود عمق قراربگیرد، بعد از سوگند خوردن هرگز دروغ نگوید و واقعیت را بدون واهمه بیان کند. دروغ شما اینجا فقط یک گناه کبیره نیست که فرشته‌های سمت چپ شانه‌تان آن را گزارش و پایش را مهر کنند. اینجا پای جان یک‌انسان در میان است. اگر به اشتباه سخن بگویی سری بالا دار می‌رود یا حتی ناحق می‌شود. اگر تو پزشک بودی و برای جان بیمار تم کاری کردی، شاید کسی نداند اهمال یا اشتباه تو موجب کم بیمار شده، اما خودت خوب می‌دانی که دروغ می‌گویی.

دروغ مال همه است. زن و مرد و کوچک و بزرگ ندارد. هر کس از نفس پیروی کند به دام دروغ می‌افتد. می‌تواند این آدم مدیر یا رئیس باشد که به قول و قرارش وفا نکند. می‌تواند رئیس یک بانک باشد، وعده وام بدهد اما بعد از بر حرفش بزند. می‌تواند یک معلم باشد. حرفی زده باشد و بنا به مصلحت شخصی بعد انکار کند. می‌تواند مربی یک مهد کودک باشد و در مورد اتفاقات درون مهد به والدین دروغ بگوید. می‌تواند غذایشان را کم بریزد اما صورتحساب یک وعده کامل برای والدین بفرستد. می‌تواند آشپز یک کبابی باشد. بگوید کباب با گوشت تازه اما چیزی که تحویل مشتری می‌دهد چیزی جز سنگان مرغ و کمی ضایعات گوشت نیست. می‌تواند هر کسی باشد و از سر نقرتی که از کسی به دل دارد زبان به دروغ بچرخاند و درباره او دروغ بگوید. می‌تواند دروغش به تهمت بینجامد. می‌تواند غیبت‌های مکرر ش آبروی کسی را مکدر کند. می‌تواند

جامعه‌ای که مردمش به هم اعتماد ندارند جای زندگی نیست و همه چیز نابود می‌شود. از صبح که بیرون می‌روی باید با یاد خدا شروع کنی و با توکل به او به صداقت همه انسان‌ها اعتماد کنی. شنیده‌ای می‌گویند الاعمال بالنیته . یعنی ملاک اعمال انسان به نیت اوست. شاید به ظاهر دروغی بر زبان جاری نشود اما نیت شوم یا گناه‌لودی پشت آن عمل باشد. فقط خدا می‌داند چه اندازه از اعمال ما خالی از دروغ است و نیتیمان اشکالی ندارد. فقط خدا می‌داند که رفتارمان چقدر به اندازه کلاممان صادق است؟ آیا به حرفی که می‌زنیم عمل می‌کنیم؟ آیا در عمل به تعهدات خود صادقیم؟ آیا با دوست و رفیق و آشنا و مشتری و غیره روراست هستیم؟ آیا جرئت اعتراف داریم؟ جرئت عذرخواهی برای دروغی که به زبان آورده‌ایم داریم؟ راست می‌گویند دروغ ام‌الفساد گناهان است. هر کجا بخواهی از مسیر راست خارج بشوی مجبوری دروغ بگویی. گاهی به خودت، گاهی به دیگران و گاهی...

خوش به حال آنهایی که روی نفس خود کار کرده‌اند و شهادت این را دارند که پای اشتباهشان بایستند و بلد باشند عذرخواهی کنند و با دروغ روی آن سرشوش نگذارند.

سبک تربیت



کودکان را با رفتارمان یک دروغگوی بزرگ بار می‌آوریم فرزندانم! لک‌لک‌ها تو را برای ما هدیه آوردند

صرف خرید کیک کرده‌است. توی مدرسه تنبیه شده، اما می‌گوید همه چیز خوب است. کم کم دروغ گفتن می‌شود عادت هر روزش. می‌شوداز این بچه‌هایی که هر روز درباره خانواده‌شان یک قصه جدید سرهم می‌کنند. تخیلاتشان را با آب و تاب تحویل دوستانشان می‌دهند. کم کم باور دیگران را از دست می‌دهد. برای مشق ننوشتن و درس نخواندن هزار بهانه می‌آورد و هر روز یک دروغ تازه می‌گوید. اما بعضی از کودکان راست‌گویی را در خانواده به درستی آموخته‌اند. آنها یاد گرفته‌اند همیشه راست بگویند حتی اگر به ضرر شان تمام بشود. چنین بچه‌هایی میان همکلاسی‌هایشان بچه ننه و لوس و خودشیرین به حساب می‌آیند و هرگز طعم کسرت راست‌گویی را نمی‌چشند. آنها می‌فهمند اگر راست بگویند طرد می‌شوند و دوستانشان را از دست می‌دهند. مثل علی که پسر امین و راست‌گویی بود. یک بار بچه‌های کلاس برای اینکه معلم امتحان ریاضی بگیرد دست به شیطنت زدند و توی کلاس کاغذ آتش زدند تا بوی دود مانع امتحان شود. معلم عصبانی وارد کلاس شد و بچه‌ها را توبیخ کرد. به آنها فرصت داد تا به کار زشتشان اعتراف کنند. هیچ کدام حرفی زدند و فقط به یکدیگر تکریمستند. اما علی یاد گرفته بود که راست‌گویی همیشه بهتر از دروغ گفتن است. این بود که با شاهمات ماجرا را تعریف کرد. آن روز با جریمه بچه‌ها گذشت اما دیگر کسی با او دوست نشد و او را فضول و بچه ننه خواندند. او می‌مان تناقض آموخته‌هایش با آنچه دروغ گفت می‌دید گیر افتاده بود. این بود که تصمیم گرفت من بعد او هم روال پوشاندن واقعیت را در پیش بگیرد!

یکی از رفتارهای اشتباه والدین در مقابل دروغگو شنیدن فرزندشان دنبال نخود سیاه فرستادن است. گاهی می‌خواهید با کسی تنها صحبت کنید یا بارها پیش آمده که می‌خواهید درباره موضوعی صحبت کنید و نمی‌خواهید کودک‌تان بلدانده بی‌ترسید به همسر تان بگوید. این است که به اصطلاح خودتان کودک را دنبال نخود سیاه می‌فرستید و خودتان از این زرنگی حظ می‌برید، اما نمی‌دانید چه بلایی سر شخصیتش می‌آورد. شما توی روز روشن به او دروغ می‌گویید و او را دنبال چیزی می‌فرستید که وجود ندارد. چطور انتظار دارید به نوجوانی که رسید راست بگوید و وقتی وارد اتاقش می‌شوید بدون ترس بگوید که در حال چه کاری بوده است؟ چطور توقع دارید که با افتخار از زرنگی شان برای این هم بگویند چه بلایی سر بچه می‌آید به یقین می‌رسد که دروغ گفتن مال آدم‌های زرنگ است و اگر بعضی مواقع گفته نشود کاری از پیش نمی‌رود. حتی برای توی صف نمادند می‌دروغ می‌گویی می‌تواند غدایشان را کم بریزد اما صورتحساب یک کودک باشد و در مورد اتفاقات درون مهد به والدین دروغ بگوید. می‌تواند غذایشان را کم بریزد اما صورتحساب یک وعده کامل برای والدین بفرستد. می‌تواند آشپز یک کبابی باشد. بگوید کباب با گوشت تازه اما چیزی که تحویل مشتری می‌دهد چیزی جز سنگان مرغ و کمی ضایعات گوشت نیست. می‌تواند هر کسی باشد و از سر نقرتی که از کسی به دل دارد زبان به دروغ بچرخاند و درباره او دروغ بگوید. می‌تواند دروغش به تهمت بینجامد. می‌تواند غیبت‌های مکرر ش آبروی کسی را مکدر کند. می‌تواند

جامعه‌ای که مردمش به هم اعتماد ندارند جای زندگی نیست و همه چیز نابود می‌شود. از صبح که بیرون می‌روی باید با یاد خدا شروع کنی و با توکل به او به صداقت همه انسان‌ها اعتماد کنی. شنیده‌ای می‌گویند الاعمال بالنیته . یعنی ملاک اعمال انسان به نیت اوست. شاید به ظاهر دروغی بر زبان جاری نشود اما نیت شوم یا گناه‌لودی پشت آن عمل باشد. فقط خدا می‌داند چه اندازه از اعمال ما خالی از دروغ است و نیتیمان اشکالی ندارد. فقط خدا می‌داند که رفتارمان چقدر به اندازه کلاممان صادق است؟ آیا به حرفی که می‌زنیم عمل می‌کنیم؟ آیا در عمل به تعهدات خود صادقیم؟ آیا با دوست و رفیق و آشنا و مشتری و غیره روراست هستیم؟ آیا جرئت اعتراف داریم؟ جرئت عذرخواهی برای دروغی که به زبان آورده‌ایم داریم؟ راست می‌گویند دروغ ام‌الفساد گناهان است. هر کجا بخواهی از مسیر راست خارج بشوی مجبوری دروغ بگویی. گاهی به خودت، گاهی به دیگران و گاهی...

خوش به حال آنهایی که روی نفس خود کار کرده‌اند و شهادت این را دارند که پای اشتباهشان بایستند و بلد باشند عذرخواهی کنند و با دروغ روی آن سرشوش نگذارند.



گاهی می‌خواهید با کسی تنها صحبت کنید یا بارها پیش آمده که می‌خواهید درباره موضوعی صحبت کنید و نمی‌خواهید کودک‌تان بلدانده بی‌ترسید به همسر تان بگوید. این است که به اصطلاح خودتان کودک را دنبال نخود سیاه می‌فرستید و خودتان از این زرنگی حظ می‌برید، اما نمی‌دانید چه بلایی سر شخصیتش می‌آورد. شما توی روز روشن به او دروغ می‌گویید و او را دنبال چیزی می‌فرستید که وجود ندارد. چطور انتظار دارید به نوجوانی که رسید راست بگوید و وقتی وارد اتاقش می‌شوید بدون ترس بگوید که در حال چه کاری بوده است؟ چطور توقع دارید که با افتخار از زرنگی شان برای این هم بگویند چه بلایی سر بچه می‌آید به یقین می‌رسد که دروغ گفتن مال آدم‌های زرنگ است و اگر بعضی مواقع گفته نشود کاری از پیش نمی‌رود. حتی برای توی صف نمادند می‌دروغ می‌گویی می‌تواند غدایشان را کم بریزد اما صورتحساب یک کودک باشد و در مورد اتفاقات درون مهد به والدین دروغ بگوید. می‌تواند غذایشان را کم بریزد اما صورتحساب یک وعده کامل برای والدین بفرستد. می‌تواند آشپز یک کبابی باشد. بگوید کباب با گوشت تازه اما چیزی که تحویل مشتری می‌دهد چیزی جز سنگان مرغ و کمی ضایعات گوشت نیست. می‌تواند هر کسی باشد و از سر نقرتی که از کسی به دل دارد زبان به دروغ بچرخاند و درباره او دروغ بگوید. می‌تواند دروغش به تهمت بینجامد. می‌تواند غیبت‌های مکرر ش آبروی کسی را مکدر کند. می‌تواند

جامعه‌ای که مردمش به هم اعتماد ندارند جای زندگی نیست و همه چیز نابود می‌شود. از صبح که بیرون می‌روی باید با یاد خدا شروع کنی و با توکل به او به صداقت همه انسان‌ها اعتماد کنی. شنیده‌ای می‌گویند الاعمال بالنیته . یعنی ملاک اعمال انسان به نیت اوست. شاید به ظاهر دروغی بر زبان جاری نشود اما نیت شوم یا گناه‌لودی پشت آن عمل باشد. فقط خدا می‌داند چه اندازه از اعمال ما خالی از دروغ است و نیتیمان اشکالی ندارد. فقط خدا می‌داند که رفتارمان چقدر به اندازه کلاممان صادق است؟ آیا به حرفی که می‌زنیم عمل می‌کنیم؟ آیا در عمل به تعهدات خود صادقیم؟ آیا با دوست و رفیق و آشنا و مشتری و غیره روراست هستیم؟ آیا جرئت اعتراف داریم؟ جرئت عذرخواهی برای دروغی که به زبان آورده‌ایم داریم؟ راست می‌گویند دروغ ام‌الفساد گناهان است. هر کجا بخواهی از مسیر راست خارج بشوی مجبوری دروغ بگویی. گاهی به خودت، گاهی به دیگران و گاهی...

خوش به حال آنهایی که روی نفس خود کار کرده‌اند و شهادت این را دارند که پای اشتباهشان بایستند و بلد باشند عذرخواهی کنند و با دروغ روی آن سرشوش نگذارند.